

اولین نماز جمعه ۲ رمضان ۱۳۹۸ - ۵ مردادماه ۱۳۵۸

خطبه اول:

درود ما، صلوات ما بر همه انبیاء و مرسلین و گشایندگان راه حق و توحید و بر همه شهدای راه حق بخصوص خاتم انبیاء آن که او را براستی بدین حق و هدایت ارسال داشت تا این دین را بر همه ادیان برتری بخشد گرچه مشرکان نخواهند. گرچه کافران نپسندند. اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.

یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون" (سوره جمعه / آیه ۱۰).

این آیه دستور اجتماع توحیدی و عظیم جمعه است همین اجتماع که سالها در بین ماسلمانهای ایران بصورت نیمه تعطیل درآمد و امروز طلوعه انجام این فریضه بزرگ الهی و این صف بزرگ توحید و جهاد است. همان روزی که پیامبر ما، رهبر عظیم الشأن ما، هادی بشر، نجات دهنده از شرک و کفر و الحاد، رسول اکرم از مکه به مدینه هجرت فرمود در جنوب شهر یثرب که هنوز بنام مدینه الرسول نامگذاری نشده بود، چند روزی در همین محل مسجد "قبای" فعلی توقف نمود و پس از آن روز جمعه ای بود که حرکت کرد از مسجد قبا بطرف مدینه یعنی اولین حرکت تأسیس "اجتماع توحیدی، اجتماع خدایی، اجتماع قسط و عدل الهی در دنیای شرک و کفر و ظلم و ظلمتها" در میان راه بین مسجد قبا و مدینه اولین نماز جمعه را اقامه فرمود یعنی "اولین شکل صف توحیدی، صف اقامه قسط، صف جهاد، نماز جمعه مظهر کاملی است از صف توحیدی ملت اسلام" و در عین حال آگاهی، تنبه، هوشیاری، افشا کردن دسایس دشمن و مطلع کردن همه مسلمانها به وظایف و مسوولیتهایی که لااقل در مدت یک هفته در پیش دارد. نماز جمعه صف عبادت، صف حق پرستی، صف روابط قلوب و وجدانهای بیدار خدا پرستان و در عین حال صف نظام،

صف جنگ، صف فرماندهی و فرمانبری است، از این جهت برای امام جمعه شرایط خاصی قائلند که هم بتواند فرماندهی کند هم بتواند آگاهی بدهد و از حوادثی که در پیرامون کشورهای اسلامی و جامعه مسلمین جریان دارد و از دسیسه‌های زیرپرده مسلمانان را آگاه کند. آن صف مختصری که در بیابان‌های مدینه در ابتدای هجرت و در آغاز تأسیس مجتمع قسط و عدل اسلامی تأسیس شد این صف گسترش پیدا کرد، ادامه یافت. شرق و غرب دنیا را این صف فرا گرفت همانطور که من در مصاحبه شب گذشته تذکر دادم فلسفه تعطیل شدن یا نیمه تعطیل شدن نماز جمعه در میان ما مسلمانان یعنی ما شیعیان همین است که صف نماز مان صف جمعه یک صف عبادت و سیاست و اجتماع اسلامی است و باید با رهبری رهبرهایی که از مردم و از طرف خدا منتخب شده‌اند این صفها تشکیل بشود و نماینده چنین رهبرهایی الهی باشند ولی بعد از آنی که اسلام و موازین و احکام اسلام بصورت‌های دیگر و انحرافی درآمد صف جمعه هم وابسته شد به صف طاغوتها و شیعه در اقامه این جماعت و این اجتماع توقف کرد.

ولی امروز که طاغوتها و طاغوت ما و طاغوت این کشور سرنگون شده است و رهبری، رهبری الهی است، امامت است، عدل است، قسط است، باید ما و همه برادران ما در شهرها و قصبات و اطراف کشور همانطوری که امام، امام خمینی، خواسته‌اند این صف را تشکیل بدهند. یعنی این صفی که اکنون در یک گوشه تهران با نبودن وسایل با پیش‌بینی نکردن جا و محل و شرایط تأسیس شده و با همه کشور شیعه و کشور اسلامی ما و با همه برادران شیعه و سنی ما، باید ارتباطشان را محکم کنند و در همه جا کسانی که دارای چنین شرایطی باشند که در فقه ما بیان شده است اقامه کنند. این صفی است که نه تنها در داخل مرزهای ایران ما بهم باید پیوسته شود. این حلقه‌ای که سست شده بود باید با دیگر کشورهای اسلامی پیوسته شود. این چه قدرتی است، این چه عظمتی است. آیا هیچ قدرتی در دنیا می‌تواند چنین صفی تشکیل بدهد؟ شما برادران، شما خواهران، در این ماه مبارک رمضان، زبانهای تشنه و شکمهای گرسنه با نبودن وسایل و جا، چندین ساعت به انتظار نماز جمعه یعنی اقامه حق، اقامه عدل، اقامه قسط نشست‌اید. این فرمان روزه که فرمان ایمانی است کدام فرمانی، کدام حزبی، کدام رهبری غیر از رهبرهای اسلامی، چنین فرمانی و چنین اطاعتی را می‌توانند در کشورها و جمعیت‌های خودشان تأسیس کنند. با همه کارشکنی‌های استعمار، استبدادهای داخلی، این صف از همان وقتی که رسول خدا اقامه کرد تا امروز برپا است. همین صفی که امروز نشست‌اید، به طرف غرب بروید تا کشورهای عربی و شمال

آفریقا و اواسط آفریقا این صف شما متصل است. مسلمانها شما قویترین امت دنیا هستید چون متکی به حق و یک صف هستید کدام کشور، کدام بلوک کدام مکتب دارای چنین صفی است. اطراف شرق بروید. پاکستان، افغانستان، اندونزی، هندوستان این امت متصل است و چشم بهم بگذارید و چشم دیده و باطن خودتان را باز کنید، ببینید چه صف قوی ما داریم. چنین صفی را با پول و بارشوه و با فریب نمی توان فراهم کرد، جز حق، جز ایمان خالص، جز فرمان الهی، همین است که دشمنهای ما را مرعوب می کند. همین صف، همین صف است که دشمنهای زخم خورده ما برای این که این صف را قطع کنند و متلاشی کنند و مسلمانها که در بهترین سرزمینها و بالای منابع عظیم ثروتهای مادی و معنوی، عرفانی، هوشیاری، عالیترین فلسفه انسانی و حیاتی در بردارند، اینها از همین نگرانند عوامل آنها هم که هرروز بهانه جویی می کنند از همین نگرانند. اگر این صف محکم شد، گسترده تر شد، پیوسته تر شد دیگر جایی برای نفوذ استعمار شرق و غرب و مکتبهای دیگری نمی گذارد. این صف عظیم توحید است. صف عبادت است، صف نماز است، صف جهاد است، دشمنها دسیسه کنند، اگر چند روزی هم تعطیل کنند، همانطوری که ۱۴ قرن است تعطیل نشد، نخواهد تعطیل شد. همین دسیسه های احمقانه در اطراف کشور ما، چه می کنند، چه می خواهند، چرا برادر کشی راه می اندازند، برای این که این صف را متلاشی کنند. برای این که این وحدت را از میان بردارند وحدتی که از درون دلها و وجدانها سرچشمه گرفته، وحدتی که با رهبری های قاطع اسلامی به حرکت درآمده، دنیا را نگران کرده آمریکا، امپریالیسم اروپا، صهیونیسم همه به وحشت افتاده اند. با کارهای احمقانه ای که در سرحدات ما براه می اندازند گمان می کنند این صف را متلاشی می کنند جز رسوائی برای خود نمی گذارند، جنگ ایجاد می کنند، مگر کم سپاه داریم، سپاه ما مخصوص به برادران ارتشی ما نیست، زن و مرد ما، کوچک و بزرگ ما سپاه اسلام است و پاسدار اسلام است. استعمار جلو بیاید، قشونش را جلو بیاورد. حالا که از پشت پرده می آید آشکار بیاید، یا همه ما باید بمیریم یا استعمار را در تمام دنیا دفن خواهیم کرد. اگر به جای خود ننشینند، من پیر مرد، من ضعیف، من مریض مسلسل بدست می گیرم، پشت تانک می نشینم، امام خمینی هم خواهد کرد، او هم پشت تانک می نشیند، بچه های کوچک ما، زنهای ما، خواهران ما، با کی می خواهند بجنگند. چرا اخلال می کنند؟

مسئله دیگری که جریان روز است مسئله انتخاب مجلس خبرگان است. ما نمی خواهیم بگوئیم این مجلس بی عیب و نقص است، به هر

صورتی باشد، مسلماً " یک مجلس کامل و تامی نخواهد بود. کسی هم ادعا نمی‌کند اگر بصورت انتخابات بیشتر و گسترده‌تر و افراد بیشتری هم باشند باز هم آنهایی که نقیله‌ها بزنند نقی می‌زنند. یک عده حزبشان و گروهشان منفی‌بافی است. کار مثبتی که ندارند. هی ایراد گرفتن، ایراد داریم فقط با ایراد گرفتن اینجا همچنین شده آنجا همچنین شده. البته باید همه مردم و همه اقشار و همه گروهها شرکت کنند. آزادند در شرکت کردن. من تعجب می‌کنم بعضی از گروهها می‌گویند آزادی نیست، پس معلوم می‌شود مفهوم آزادی هم یک مفهوم خاصی است که فقط مثل مفهوم قشر و طبقه و دیگر لغتها یک عده خاصی می‌فهمند. کسی مانع شده از این که کسی رأی بدهد؟ کاندیدی بدهد؟ این طرف مساله را بررسی می‌کنیم. البته همانطوری که همه برادران، فرزندان، خواهران من می‌دانند من همیشه سعی کرده‌ام تا از میزان حق و عدل درباره هر کسی منحرف نشوم و این آیه شریفه همیشه در مقابل چشم من است که: "یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شیئان قوم علی ان لاتعدلوا. قسط را اقامه مدارید. برای خدا گواهی بدهید اگر که کدورتها، کینه‌ها، نسبت به کسی دارید مانع از آن نشود که قضاوت به حق کنید عدل را رعایت کنید و لا یجرمنکم شیئان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی، عدالت است که نزدیک به تقوی است. ما این طرف مساله را بررسی می‌کنیم که عده‌ای هستند، آزادی نیست گاهی یک درگیریهای موضعی یک چند نفر اشخاص ناآگاه و یا غیر مسوول یک عملی انجام می‌دهند آنوقت در این روزنامه‌ها ببینید چه جار و جنجالی می‌کنند، چه هوچیگری می‌کنند که آزادی نیست؟ آیا کسی جلوی دست کسی را گرفته؟ سلب آزادی بوسیله پول ارتش، قدرت است. این مردم هستند همین خلقی که عده‌ای طرفدارانشان هستند، اینها هستند که رای می‌دهند، اینها هستند که دنبال رهبر هستند. ما نمی‌دانیم این خلق، این قشری که حقش تضییع شده و آزادیش سلب شده، اینها چه کسانی هستند؟ اگر این مردمان که همه پشت سر رهبرند. همه وظیفه دینی و اسلامی شان را از ابتدای حرکت، این جنبش. این انقلاب روی وظیفه اسلامی و ملی و دینی شان انجام داده‌اند، حالا هم دارند انجام می‌دهند. مگر آنکه قشر ناراضی از این مسائل مخصوص البته نابسامانیهای اقتصادی هست، اعتراضاتی هست که اغلب خود من گفتم، در کار دولت، در بعضی از گروهها، در بعضی از کمیته‌ها، ولی این مساله غیر از این است که مرتب تاکید کنند قشر خلق حقش ادا نمی‌شود. این قشر خلق است. روز سه‌شنبه هفته گذشته اینها قشر خلق بودند، پس این قشر خلقی که حقش تضعیف شده ما که نمی‌دانیم کی‌ها هستند اینها. لابد

اجنه هستند که به چشم دیده نمی‌شوند. اینها قشر خلق هستند. البته یک مساله‌ای هست و آن این است که این خصایص و موازین که برای رهبری و یا به اصطلاح روحانیت شیعه و اسلام بطور عموم یک خصایصی را در این لباس قرار داده روی سنتها، مقیاسها - که من کلمه روحانی یا آخوند را کلمه اصیل نمی‌دانم، بقط یک خصایصی دارند. همان بدهاشان هم مجبورند یک حدودی را حفظ کنند، چون دارای چنین خصایصی هستند، با این خصایص و همه مردم از آخوند ده گرفته تا یک مرجع تقلید، مردم ذره بین می‌گذارند و تمام جزئیات زندگی اینها را زیر نظر می‌گیرند. پول دارد یا ندارد، کلاه سرکسی گذاشته یا نگذاشته، دروغ گفته یا نگفته؟ پس اینها بطور خود بخود در یک کشور اسلامی گزیده می‌شوند. این امر طبیعی است ولی افراد دیگر که نه سوابقشان مشخص است و هر روز به یک رنگ درآمدانند اینطور شناخته نشده‌اند. با همه اینها من معتقدم که باید در این مجلس همه گروهها راه پیدا کنند و ما تابع دستور قرآنیم: "قبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله و اولئک اولوالالباب" این درس ماست. این مکتب ماست که حرف حسابی را بشنود. صاحب لب، صاحب عقل هدایت یافته‌ها اینجوری هستند. این وسیله کمال احسان است، حرف طرف، حرف مخالف شنیده بشود و بعد هم بهترینش گرفته شود، در مجلس ما باید مخالفین هم بیایند. اگر نیایند هم ما باید دعوتشان کنیم حرفشان گفته شود، قانون اساسی ما از اصول اسلام ناشی شده است. منشاء گرفته است. اصول اسلام قسط است و عدل است و حق. هر شعاری، هر ایده‌ای که گروهی بدهند، باز اسلام چند قدم جلوتر است. البته اینها باید بتدریج پیاده شوند بنا بر این ما هیچ نباید وحشت کنیم که گروههای دیگر راه پیدا کنند حرفشان را بزنند بلکه باید از اینها دعوت کنیم. و الا پنجاه نفر، ۶۰ نفر که هم لباس و هم فکر باشیم و در یک جا جمع بشویم همه یک رأی داریم چون از آن موازین نمی‌توانیم خارج شویم. مجلس اصیل این است که همه آراء گفته شود، همه ابعاد مسائل بررسی بشود از این جهت باید راه پیدا کنند. من هم خسته‌ام، شما هم خسته‌اید در میان آفتاب، زبان روزه، همه از هم دیگر باید عذر بخواهیم، ولی چه بکنیم، اما من نسبت بخودم چند بار خواستم در اثر بیماری که دارم، از قبول کاندیداتوری عذر بخواهم مرض است، بعضی‌ها خیال می‌کنند من تمارض می‌کنم، واقعا "مرض است، پزشکان معالج من همه می‌دانند، همه دوستانم هم می‌دانند ولی دوستان، رفقا از من خواستند من تا آنجایی که جان در بدن دارم و می‌توانم خود را بکشم مثل لا گذشته میدوارم خداوند بمن توفیق بدهد تا وظیفه‌ام را انجام بدهم.

یک نکته دیگر هم باید توجه کنیم که یکی از حیل‌هایی که دشمن بکار می‌برد، از دسایس دشمن این است که یا یک مخالف را بصورت یک دشمن قوی درمی‌آورد یا گاهی هم دشمن را می‌سازد.

برای این که در پشت این درگیری بین دو گروه بتوانند دسایس خودشان را انجام بدهند، اینقدر که دشمن را بزرگ می‌کنند، آنقدر بزرگ نیست، ما نباید همه حس و شعور و فکر و ذهنمان را متوجه به او بکنیم ما باید خودمان را بسازیم.

خصوصاً "در این ماه مبارک که ماه تقواست، ماه سازندگی است، ماه اخلاص است ماهی است که انسان‌هایی که در ردیف حیوانات زندگی می‌کنند، باید بگونه فرشته‌ها در بیایند و با فرشته‌ها، در فضای ملکوت، در این شبها، در این سحرها هم زمزمه باشند و پرواز کنند و تسبیح‌گو باشند باید پیش از این که به دشمن توجه کنیم خودمان را بسازیم. صف-هایمان را منظم کنیم خداوند به همه ما و به همه شما توفیق عنایت کند و ما را در راهی که خیر و سعادت خودمان و مردم دنیا، مسلمان‌های دنیا، مستضعفین دنیا و به صلاح آینده ما است همه ما را هدایت کند والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

* * *

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواحد الاحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له

كفو " احد .

الصلاه والسلام على جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين
سيما الذي قام بالحق حبس نفسه على ذات الله، حاكم بالكتاب، الرسول المويد، الفاتح
لما قبله والخاتم لما بعده ابوالقاسم محمد .

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم شئتان على

ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى .

در خطبه گذشته اشاره‌ای بود به مسائل داخلی ما . اکنون نه تنها ما ایم، مائیم و همه
دنیا‌ی اسلام . سرنوشت ما سرنوشت دنیا‌ی اسلام و سرنوشت مستضعفین اسلام است، سرنوشت
کسانی که در برابر استعمار و صهیونیست قرار گرفته‌اند و عوامل استعمار، سرنوشت ما به
هم پیوسته است و ما نمی‌توانیم از آنها جدا باشیم . آنها هم نمی‌توانند از ما جدا باشند.

ما باید به یاری آنها برخیزیم آنها باید به یاری ما و به کمک ما برخیزند سرنوشت ما با مردم فلسطین جدا نیست، با دیگر مسلمانهای مستضعف تحت فشار عوامل استبداد داخلی و استعمار قهار خارجی هیچ جدا نیست، الان در همه صفوف عالم اسلام همین مسائلی که اینجا مطرح می شود، آنجا هم مطرح می شود، وقت گذشته بیش از این نباید طول بدهیم، از خداوند می خواهیم که همه مسلمانها را و همه گرفتارها و همه مستضعفین را یاری بدهد و خداوند مردم فلسطین را تقویت کند، خداوند آنها را برصهیونیست و اسرائیل زخم خورده و دیوانه پیروزگرداند. و همینطور دیگر مسلمانهای ما را خداوند همه ما را یاری بدهد و این وعده الهی "ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت اقدامکم" اگر واقعا "ما خدا را یاری کنیم خدا احتیاج به یاری ندارد، یعنی اراده خدا، مشیت خدا، خواست خدا، عدالتی که خدا می خواهد، قسطی که خدا می خواهد. اگر یاری کنیم وعده داده است خداوند هم ما را یاری خواهد کرد و قدمهای ما را محکم خواهد کرد. پروردگارا درود فراوان ما، تحیات ما، سلام و صلوات ما را به روح همه بزرگان، پیشروان حق، شهدای ما، شهدائی که در این مدت و در این چند سال اخیر خون خودشان را رایگان برای اقامه حق و از میان بردن طاغوت ریختند خدایا درود ما را به همه آنها بفرست، ارواح آنها را با شهدای اولی ما، شهدای بدر واحد و کربلا، خداوند متصل بگردان، اینها را با آنها محشور بگردان، خداوند ما هم توفیق خدمت، ثبات قدم و آرزوی شهادت و رسیدن به شهادت در راه حق خداوند اعانت بفرما!

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»